

مشمول بر قرن ها طرح کلی تاریخی و اسلوب سلطنت مسلمانان

مختصر تاریخ حکومت ما

داستان تاریخی، تسلسل سلطنت و حکومت، و فراز و نشیب
تاریخ خلافت اسلام.

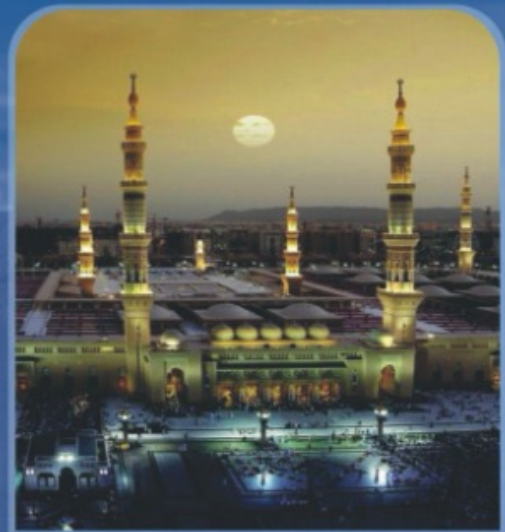
همچنان تفصیلات؛ چگونگی خلافت و تعیین زمامداران اقتدار.

مرتب

مولانا مفتی محمد ایاز دتانی صاحب

مترجم

مولوی عنایت الرحمن مہاجر



فهرست عنوانات

نمبر شمار	عنوان	صفحه
1.	پیش لفظ	1
2.	از نقطه عروج تا دور زوال	5
3.	حکمرانی ما	7
4.	قیام ریاست مدینه	7
5.	خلافت راشده	7
6.	قیام ریاست ، خلافت ، خلافت راشده	11
7.	دور عزیمت	11
8.	دور رخصت	12
9.	اسفائیون	12
10.	خلافت بنو امیه (سلسله مروانی)	13
11.	سلسله خلافت بنو عباس (بغداد)	16
12.	خلافت عباسیه بغداد (دور دوم)	20
13.	خلافت عباسیه بغداد (دور سوم ، مصر)	24
14.	سلطنت سلجوقی	29
15.	مرکزی سلجوقی سلاطین	31

32	سلجوق سلاطین کرمان	.16
33	سلجوق سلاطین شام	.17
34	سلاطین سلاجقه روم (اناطولیه)	.18
36	سلطنت عثمانیه	.19
38	خلافت عثمانیه	.20
42	خلافت هسپانیه (اندلس)	.21
45	بعض حکومت های مرکز گریز	.22
45	(فاطمیه ، العبیدییه ، اسماعیلییه)	.23
46	(۲) خلفاء موحدین (ادریسی)	.24
47	(۳) خاندان صفوی در ایران	.25
47	(۴) باطنیه (قلعه الموت)	.26
48	(۵) علوی خاندان (طبرستان)	.27
49	سلطنت هند (آمدن عرب در هندوستان)	.28
51	هفده حمله محمود غزنوی	.29
52	در هندوستان مسلمان حکمران خاندان غلامان	.30
53	خاندان خلجی	.31
54	خاندان تغلق	.32

55	خاندان سادات	.33
56	خاندان لودھی	.34
56	خاندان مغل	.35
58	از سقوط بغداد تا سقوط دهلی (بغداد، اندلس، دهلی، خلافت عثمانی)	.36
58	۱) دفاع ضعیف	.37
59	۲) اختلافات داخلی	.38
59	۳) فقر اقتصادی	.39
59	لمحه فکریه	.40
60	ماخذ و مصادر	.41

پیش لفظ

علم تاریخ آینه و رهنمائی مستقبل است. برای تعمیر قومی اهمیت که به این علم حاصل است از این هیچ شخص بیخبر نیست. اگر ماضی یک قوم بهتر باشد پس حوصله های آنها بلند و عزائم آنها قوی می باشد و اگر افراد یک قوم ماضی خود را نابینا قرار دهند مستقبل آن قوم روشن بوده نمیتواند.

در این وقت عالم اسلام از کدام انحطاط علمی و فکری میگذرد مثال این در صدی های گذشته بنظر نمیرسد. طاقت های کفری نه تنها با سلاح های کشنده و توانای های معاشی بر ما حمله آور هستند بلکه آنها در میدان های فکری در گمراه نمودن نسل های ما سرگرم هستند در این سلسله بزرگترین سلاح آنها تاریخ اسلام می باشد. که آن را به میل خود مرتب نموده بر ما میسرسانند.

زوال مسلمانان و انحطاط علم تاریخ تقریباً هر دو یکجا آغاز شد. همینگونه این سخن حقیقت ثابت شد قوم که تاریخ خود را فراموش

میکند آنها شناخت خود را از دست میدهند. از چند صدی گذشته ما مانند علوم دیگر در تاریخ نیز شکار زوال هستیم.

محافظ حقیقی تاریخ علماء کرام بودند تا چند صدی محدثین، مفسرین، و فقهاء در این فن خاص دلچسپی نموده و آن را زیاد ترقی بخشیدند. اما با مرور زمان بالای علم تاریخ دلچسپی روحانیون ضعیف شد و منشی های درباری علم تاریخ را بازیچه اطفال قرار دادند. سپس شاگردهای آنها در میدان آمدند که حامل ذهنیت سیکولری بودند، بدست آنها تاریخ اسلام بدرقم پامال شد که در صدی های گذشته مثال آن بنظر نمیرسد. حالا بالای تاریخ اجاره داری سکولرها است که خود را بیطرف دانسته اما در حقیقت ثبوت بدترین دشمنی را به اسلام میدهد. اینها برای خراب ساختن تاریخ، و بدنام نمودن اسلاف امت و برای راهزن و غارتگر قرار دادن فاتحین اسلام میکوشند. همینگونه از تاریخ حقیقی مردم در غفلت قرار دارند. و بجای این یک تاریخ متبادل و اشتباه بوجود آمده.

افراد عوام چی بلکه مردمان تعلیم کرده نیز شکار مکر و فریب آنها هستند و ترجمان تاریخ اشتباه و زاویه نگاه آنها شدند. و یک گروه

کامل مؤرخین سکولر موجود است که از آنها متاثر صدها علماء نام نهاد
خبر نگاران، در اخبارات برای گمراه ساختن ذهن نسل جدید مصروف
کار هستند.

در این حالت سخت نیاز به این امر است که اهل علم مسلمانان
ذمه داری خود را ادا نموده یک تاریخ تحقیقی و جامع مرتب کنند که از
این تمام آن گونه شبهات ازاله یابد، تا شیر و آب از هم جدا شوند و با
مطالعه نمودن آن مسلمانان از فکر و عقیده حقیقی اسلام آشنا شوند.

بنده مطابق توان خود این رساله را برای این هدف مرتب نموده
که نسل نوجوان، خصوصاً طلبه و عام مسلمانان عموماً از تاریخ خود
خصوصاً از حکمرانان به آسانی و به انداز مختصر باخبر شوند.

کتابچه زیر نظر کدام کتاب مستقل تاریخ نیست، بلکه ترتیب و
تمثیل تاریخی صدها سال دور حکمرانی مسلمانها است، تا که با معلوم
شدن ترتیب و دورانیه ادوار در دوران مطالعه از این غلطفهمی نجات
یابد. در این رساله از قیام ریاست مدینه گرفته تا خلافت راشد، بنو امیه،
بنو عباس، خلافت عثمانیه، خلافت اسپانیه و دیگر حکومت ها مثلاً

موحدین، صفوی، باطنی همراه با خاندان غلامان، خلجی، تغلق، سادات، لودهی، سوری، و ادوار خاندان های مغل قلمبند گردیده است.

نسبت به مضامینِ دیگر تاریخ را چونکه یک مضمون خشک و ذهن را مانده کننده شهرت داده شده لهذا برای برقرار ساختن دلچسپی مطالعه کننده ها اهتمام این کار هم کرده شده که زیر هر عنوان پس منظر مختصر قیام حکومت آن دور پیش کرده شده، تا که با تسلسل یک خاکه اجمالی تاریخ امت مسلمه باسانی ذهن نشین شود. مزید این که در هر دور خلیفه آن زمان سلطان، حاکم وقت، بادشاه یا نام حکمران، دار الخلافه و تاریخ تخت نشینی آن درج گردیده. و در آخر از سقوط بغداد گرفته تا زوال خلافت عثمانیه بالای اسباب آن روشنی انداخته شده.

قارئین و مطالعه کننده گان تاریخ اگر این رساله را پیش خود گذاشته تاریخ را مطالعه کنند پس یقیناً ادوار مختلف تاریخ را با واقعات مهم یکجا کرده بیشتر حصه های آن را در یادداشت خود نقش کرده میتوانند و این شکوه را به اندازه کافی دور کرده میشود که تاریخ یاد نیمماند و زود فراموش میشود.

از نقطه عروج تا دورزوال

در صدی ششم عیسوی قبل از عروج مسلمانان و قیام ریاست اسلامی در این کره زمین بازنطینی (رومی) ساسانی (ایرانی) چینی و هندوستانی رواج سلطنتها و حکومتهای آنها بود، این سلطنتها برای وسیع نمودن جغرافیه های خود، برای قبضه نمودن بر بیشتر وسائل، جمع نمودن مال و زر، برای برقرار نمودن نخوت و سطوت و برای حاصل کردن برتری بالای یکدیگر می‌تاختند، گاهی فتح یکی و شکست دیگری میبود و گاهی هم نتیجه برعکس آن.

بالای کشورها قبضه نمودن، پادشاهها، وزیرها و سپاهی ها را قتل نمودن و تقدس خانمها را پامال نمودن، و عظمت آنها را به خاک یکسان کردن، عزت آنها را تار تار کردن، با آبروی آنها بازی کردن، با آنها مانند حیوانات رویه نمودن، و بالای نتوانی آنها خندیدن، و بالای اطفال کارهای دشوار کردن، بس همین تمام دنیای آنها بود، سپس پروردگار من فیصله تبدیل کردن تقدیر انسانیت را کرد و آفتاب هدایت طلوع نمود، که با تمام آب و تاب قلب های مردم را منور و چهره های شان را روشن ساخت، که در نتیجه آن در سال اول هجری مطابق شش صد و بیست و سه عیسوی یک جماعت بوریه نشین از سحرا و ریگستان های خشک و خالی قیام نموده در وسط نخلستان به رهبری محسن انسانیت خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی ﷺ یک ریاست اسلامی را وجود بخشید.

برای برقرار نگهداشتن امن با قبائل چهار اطراف و با اهل مذاهب مختلف باقاعده معاده کرده شد که مندرجات آن امروز هم برای فراهم نمودن معاهدات عمرانی کافی است. تسلسل همین ریاست را با نشیب و فراز های مختلف مسلمانان تقریباً تا سیزده صدی برقرار نگهداشتن. و بخوبی این مسئولیت ادا نمودن تا آنکه با سازش های بیرونی و کمزوری های داخلی بلاخره در تاریخ یکم نومبر سال ۱۹۲۲ اعلان خاتمه خلافت کرده شد و در ۲۹ اکتوبر سال ۱۹۲۴ عیسوی نظام جمهوری و سیکولری ترکی بوجود آمد. اما بعد از آن هم مسلمان های بیدار و باغیرت در خطه های مختلف روی زمین با طریقه های متفاوت برای خلافت صدا بلند نموده و برای قیام آن کوشیدند، که تا حال جاری است و جاری میباشد چونکه این فرمان الهی است: الله متعال با مؤمنین و صالحین وعده میکنند که ما به آنها حتماً بروی زمین خلافت عطا میکنیم قسمیکه ما به گذشتگان عطا نمودیم، و حتماً دین آنها را برای شان مستحکم میکنیم که آن را آنها میپسندند. و حتماً حالت خوف آنها را به امن مبدل میسازیم، (که بعد از این آنها خالص) عبادت مرا (در نظریه حیات و در نظام حیات از من پیروی) میکنند و با من کسی را شریک قرار نمیدهند، اما اگر کسی بعد از این هم نافرمانی کرد، پس یقیناً آنها فاسقین هستند. (سوره النور: ۵۵)

حکمرانی ما

اسلام و مسلمانان در دنیا (۱ هجری تا ۱۳۴۲ هجری بمطابق ۶۲۳ عیسوی تا ۱۹۲۴ عیسوی) تقریباً دوازده صد سال حکومت نمودن.

(قیام ریاست مدینه)

بعد از نبوت در سحراهای بی آب و گیاه، ریگستان ها و در میدان های هموار بعد از سیزده سال مسلسل دعوت تبلیغ از جانب الله متعال برای پیامبر ﷺ هجرت بسوی مدینه حکم کرده شد. که در آنجا رسول الله ﷺ بنیاد ریاست مدینه را نهاد. از سال اول هجری بمطابق ۶۲۳ عیسوی گرفته ماه ربیع الاول سال یازدهم هجری بمطابق ۶۳۲ عیسوی رسول الله ﷺ بطور یک سربراه مملکت فرایض خود را انجام میدادند.

(خلافت راشده)

بعد از وفات رسول الله ﷺ جان نثاران که از صحبت رسول الله ﷺ براه راست فیض یاب شده بودند برای پیش بردن نظم و نسق ریاست خسر و یار غار رسول الله ﷺ حضرت ابوبکر صدیق ﷺ را برای این منصب مناسب دانستن و به دست حضرت ابوبکر صدیق ﷺ تمام صحابه کرام بیعت نمودند. از دور حضرت ابوبکر صدیق ﷺ (تا یکم ربیع الثانی شصت و چهار هجری) یعنی تقریباً مشتمل به نیم صدی صحابه کرام که در این دورانیه فرایض خود را در ریاست اسلامی بطور سربراهان مملکت سر انجام دادند این دورانیه را در تاریخ بنام خلافت راشده و یا خلافت صحابه کرام یاد

کرده میشود، در نزد اکثر علماء کرام این دورانیه از حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه شروع و به حضرت علی رضی الله عنه اختتام پذیر شد، اما در روایات تاریخی درباره عظمت صحابه کرام علماء که ارشادات قرآنی را فوقیت میدهند حکومت حضرت حسن بن علی رضی الله عنه، سیدنا امیر معاویه رضی الله عنه، و سیدنا عبد الله بن زبیر رضی الله عنه را نیز در خلافت میشمارند، البته آنها این دورانیه را در دو حصه تقسیم میکنند، از دور حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه تا دور حضرت علی رضی الله عنه را دور عظیمت مینامند. و دورانیه حکومت سیدنا حسن بن علی رضی الله عنه، سیدنا امیر معاویه بن ابو سفیان رضی الله عنه و سیدنا عبد الله بن زبیر رضی الله عنه را دور رخصت مینامند. بعد از حضرت عبد الله بن زبیر رضی الله عنه پسر امیر معاویه رضی الله عنه یزید و پسر آن معاویه ثانی ابن یزید چونکه تعلق آن با ابو سفیان رضی الله عنه است برای همین به همین وجه دورانیه حکومت این دو حضرات را بعض اوقات دورانیه حکومت اسفائیون نیز گفته میشود.

بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله با خلافت خلیفه اول حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه خلافت آغاز شد تقریباً تا مدت سی سال جاری بود در این فهرست نام های حضرت عمر رضی الله عنه، حضرت عثمان رضی الله عنه و حضرت علی رضی الله عنه نیز شامل هست بلکه تا صلح حضرت امیر معاویه رضی الله عنه دورانیه مختصر اقتدار حضرت حسن رضی الله عنه نیز در دائره سی سال شامل هست بعد از آن خلافت بیست ساله حضرت امیر معاویه هست، بعداً خلافت های بنو امیه، بنو عباسیه و بنو عثمان هست و در میان این دوران خلافت عبدالله ابن زبیر رضی الله عنه نیز شامل هست.

دوران خلافت راشد در سی سال چرا محصور؟ مقام شرعی خلافت های امیر معاویه و عبدالله ابن زبیر چیست؟ بالای این موضوع

اهل علم تبادل نظر نموده و تا حدی هنوز هم جاری هست لیکن قطع نظر از این تمام مباحث نظر طالب علمانه بنده این هست برای امت مسلمه صحابه کرام تا قیام قیامت الگوی حسنه و معیار زندگی هست ، چونکه امت در زمانه بالای عزیمت عمل نموده نمیتواند برای همین الله متعال بتور تکوینی در دائره عزیمت و رخصت را در زمان صحابه کرام نشان داد تا که امت در زمانه های خود در حاصل نمودن راه نمای با هیچ گونه مشکل مواجه نشود دورانیه خلفاء راشدین دورانیه عزیمت هست و برای ما یک الگو هست ، و دورانیه خلافت های امیر معاویه و عبدالله بن زبیر را دورانیه رخصت گفته میشود که در دائره رخصت تا قیام قیامت برای امت الگو میباشد .

خلافت راشده سی سال بود اما این به این معنی نیست که بعد از آن خلافت تمام شده بود بعد از آن خلافت اسلامی به شکل خلافت های بنو امیه ، بنو عباس و بنو عثمان تا سال ۱۹۲۴ جاری بود در این پستی و بلندی میامد لیکن به طور مجموعی تسلسل خلافت تا اختتام خلافت عثمانیه قائم بود ، بالای هر خلافت که اهل علم زمانه و امت بطور اجتماعی اعتماد نموده مطابقه اصول فقهی خلافت اسلامی شمرده میشود ، خلافت راشده اعلی ترین معیار خلافت اسلامی هست در این اعلی ترین معیار تا حدی کمی واقع شده بلکه اگر رای شاه ولی الله رحمه الله دیده شود که برای اعلی ترین معیار خلافت راشده کدام شرایط که ضروری بود آن در چهار خلیفه اول مکمل شده بود بعد از آن وجدان این شرایط مثلاً این که ان براه راست در تربیت رسول الله ﷺ بوده باشد ، در خلفاء بعدی تا این حد ممکن نبود لهذا تعلق آن با کدام ضابطه شرعی نه بلکه از نظام تکوینی الله متعال معلوم میشود.

حضرت شاه ولی الله رحمه الله مزید میفرماید که خلافت راشدہ تا سی سال ممکن بود چونکہ بعد از آن مردم کہ حامل آن شرایط باشد موجود نبودند بعد از آن دوران خلافت عامہ هست کہ بالای آن اطلاق خلافت راشدہ نمی شود لیکن بہ این معنی نیست کہ این خلافت ہا هست . بلکہ علماء امت در ہر زمانہ آنها را تسلیم نمودہ _ یکی از آن خلافت بنو امیہ هست کہ بعد از آن خلافت را عباسی ہا از نزد خلیفہ مروان ثانی بدست گرفت و خاندان امویہ بہ ہسپانیا منتقل گردید کہ در آنجا تقریباً تا ہشت صد سال پرچم خلافت را بلند نگہداشت ، خلافت عباسی ہا آغازش از خونریزی شد و تقریباً تا مدت پنجدہ سال ادامہ یافت تا اینکہ در زمان مستعصم باللہ ہلاکو خان بہ بغداد یورش بردہ تمام شہر را بہ باد ہلاکت کشاند و خلافت عباسی ہا را نقطہ پایان بخشید _ بعد از عباسی ہا بنو عثمان پرچم خلافت را بلند نمود و اینہا ترک بودند اللہ متعال اینہا را برای خدمت دین اسلام و مسلمان ہا منتخب نمودہ بود ، سلطان عثمان اول در سال ۱۲۹۹ در مقام برسا اعلان حکومت داری نمود بہ ہمین خاطر حکومت آنها بہ نام حکومت عثمانی مسمی گردید ، خلافت عباسی ہا کہ در مصر حاکم بود از خلافت دستبرداری نمودہ حکومت عثمانی ہا را تسلیم نمودند و سلطان محمد فاتح قسطنطنیہ را فتح نمودہ آنجا را مرکز خلافت عثمانی ہا قرار داد ، این دور خلافت نیز تقریباً پنجدہ سال را دربر گرفت و آخرین خلیفہ عثمانی ہا سلطان عبدالحمید مرحوم هست کہ ایشان را در سال ۱۹۲۴ بانی حکومت جدید ترکیہ مصطفی کمال آتاترک جلا وطن نمودہ بہ خلافت عثمانی ہا نقطہ پایان بخشید . (ریاست مدینہ علامہ زاہد الراشدی)

قيام رياست

حضرت سيدنا محمد الرسول الله ﷺ من حيث حكرمان

(۱ هـ تا ربيع الاول ۱۱ هـ بمطابق ۶۲۳ ە)

خلافت

خليفه اول (خليفه الرسول) سيدنا ابوبكر صديق ﷺ

(۱۱ هـ بمطابق ۶۳۲ ە)

تا آخرين خليفه سلطان عبدالمجيد خان ثانى

(۱۳۴۲ هـ بمطابق ۱۹۲۴ ە)

خلافت راشده

(دور عزيمت)

شماره	نام خليفه	دارالخلافة	آغاز خلافت هجري و عيسوى ماو سال
۱	سيدنا ابوبكر صديق ﷺ	مدينه منوره	ربيع الاول ۱۱ هـ بمطابق ۶۳۲ ە
۲	سيدنا عمر فاروق ﷺ	مدينه منوره	۲۲ جمادى الآخرة ۱۳ هـ

بمطابق ۶۳۴ء			
یکم محرم الحرام ۲۴ھ بمطابق ۶۳۴ء	مدینہ منورہ	سیدنا عثمان ذوالنورینؓ	۳
۱۷ ذی الحجہ ۳۵ھ بمطابق ۶۵۶ء	کوفہ	سیدنا علی مرتضیٰؓ	۴

دوررخصت

رمضان ۴۰ھ بمطابق ۶۶۱ء	کوفہ	سیدنا حسن بن علیؓ	۵
ربیع الاول ۴۱ھ بمطابق ۶۶۱ء	دمشق	سیدنا امیر معاویہؓ	۶
یکم ربیع الثانی ۶۲ھ بمطابق ۶۸۳ء	مکہ مکرمہ	سیدنا عبداللہ بن زبیرؓ	۷

اسفائیون

شماره	نام خلیفہ	دارالخلافت	آغاز خلافت ہجری و عیسوی ماہ و سال
۸	یزید بن امیر معاویہؓ	دمشق	رجب ۶۰ھ بمطابق ۶۸۰ء
۹	معاویہ ثانی بن یزید	دمشق	چند روز و چند ماہ

خلافت بنو امیه (سلسله مروانی)

در شجره نسب رسول الله ﷺ نام عبدمناف در پشت چهارم میاید که پسر قصی است. در اولاد های عبدمناف امیه بن عبدشمس که نام مکمل آن امیه بن عبدشمس بن عبد مناف بن قصی القریشی است. قبل از دور نبوت در مکه دوران ریاست شهری زمه داری سپه سالاری در حصه امیه آمد، که بعداً به پسر امیه حرب ابن امیه و سپس به ابو سفیان منتقل گردید، اولاد همین را بنو امیه گفته میشود. این قبیله ابتداءً مخالف اسلام بودند، تعلق عقبه ابن ابی معیط با همین قبیله بود کسی که در بیت الله در دوران نماز بالای گردن مبارک رسول الله ﷺ چادر انداخته به ایشان تکلیف رسانده بود، اما بعد از اسلام آوردن صدها افراد این قبیله برای اسلام خدمات قابل قدر انجام داند، که در آن نام های خلیفه سوم ریاست مدینه حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه، ام المومنین ام حبیبه رضی الله عنها، ابو سفیان رضی الله عنه و معاویه بن ابوسفیان رضی الله عنه، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز و غیره نمایان است. این در قریش یک قبیله ممتاز و دولت مند بود. تعلق مروان بن حکم با بنی عاص که شاخ این قبیله است بود، کسی که با ضابطه بنیاد این خلافت را نهاد.

خلافت بنو اميه (سلسله مروانى)

64 هـ تا 127 هـ بمطابق 683ء تا 744ء

شماره	نام خليفه	دارالخلافة	آغاز خلافت هجرى و عيسوى ماه و سال
۱۰	مروان بن الحكم	دمشق	۳ ذى القعدة ۶۴۸ هـ بمطابق ۶۸۳ء
۱۱	عبدالملك بن مروان	دمشق	۲۷ رمضان ۶۵ هـ بمطابق ۶۸۵ء
۱۲	وليد الاول بن عبدالملك	دمشق	۱۴ شوال ۸۶ هـ بمطابق ۷۰۵ء
۱۳	سليمان بن عبدالملك	دمشق	۱۵ جمادى الآخرة ۹۶ هـ بمطابق ۷۱۷ء
۱۴	عمر بن عبدالعزيز	دمشق	۱۰ صفر ۹۹ هـ بمطابق ۷۱۵ء
۱۵	يزيد ثانى بن عبدالملك	دمشق	۲۰ رجب ۱۰۱ هـ بمطابق ۷۲۰ء

۱۶	هشام بن عبدالملك	دمشق	۲۶ شعبان ۱۰۵ هـ بمطابق ۷۲۲ء
۱۷	وليد ثانی بن يزيد ثانی	دمشق	۶ ربیع الثانی ۱۲۵ هـ بمطابق ۷۴۳ء
۱۸	يزيد ثالث بن وليد ثانی	دمشق	۲۷ جمادی الاخره ۱۲۶ هـ بمطابق ۷۴۴ء
۱۹	ابراهيم بن وليد ثانی	دمشق	۷ ذی الحجه ۱۲۶ هـ بمطابق ۷۴۴ء
۲۰	مروان ثانی بن محمد	دمشق	۱۴ صفر ۱۲۷ هـ بمطابق ۷۴۴ء

این آخري خليفه بنو امیة است. در ۱۳۲ بمقام بوصير (مصر) در

میدان جنگ كشته شد و این طور خاتمه خلافت بنو امیة شد.

سلسله خلافت بنو عباس (بغداد)

در سال های آخر دور حکومت اموی بنا بر وجوهات مختلف شورشها و بغاوتها برپا شد، در میان اینها دو گروه بسیار متحرک بود، که تعلق آنها با بنی هاشم بود، یک گروه حضرت علی و اولاد های او را حقدار خلافت میدانستند، و گروه دیگر میخواستن کاکای حضرت محمد ﷺ عباس ﷺ و اولاد های او را به تخت خلافت برسانند. تا هشام بن عبد الملک این تمام کار روائی در علم کسی نه آمد، در دور مروان ثانی انکشاف این تحریک و جدوجهد عباسی ها شد پس مروان ابراهیم بن محمد را قتل کرد. ابراهیم جانشین و پسر بزرگ محمد بن علی نواسه عبدالله که پسر عباس کاکای رسول الله ﷺ بود. چنانچه برادر ابراهیم بن محمد عبدالله بن علی (بنام ابو العباس السفاح هم یاد کرده میشود) خلاف بنوامیه علم بغاوت را بلند کرد، آبائی مسکن خود را ترک نموده کوفه آمد با ابو مسلم خراسانی و با دیگر افراد سرگرم یکجا شده بالای عراق قبضه کردن و بلاخره در یک صد و سی و دو هجری (۱۳۲ هجری) خلافت خود را اعلان کردن.

سلسله خلافت بنو عباس (بغداد)

132ھ تا 656ھ بمطابق 750ء تا 1258ء

خلافت عباسیہ بغداد (دور اول)

شماره	نام خلیفہ	دارالخلافت	آغاز خلافت ہجری و عیسوی ماہ و سال
۲۱	ابو العباس السفاح (عبداللہ بن محمد العباس)	کوفہ	۱۳ ربیع الاول ۱۳۲ھ بمطابق ۷۵۰ء
۲۲	منصور (ابو جعفر عبد اللہ بن محمد)	بغداد	۱۳ ذی الحجہ ۱۳۶ھ بمطابق ۷۴۵ء
۲۳	مہدی محمد بن منصور	بغداد	۶ ذی الحجہ ۱۵۸ھ بمطابق ۷۷۵ء
۲۴	ہادی موسیٰ بن مہدی	بغداد	۲۲ محرم الحرم ۱۷۹ھ بمطابق ۷۸۵ء
۲۵	ہارون الرشید	بغداد	۱۶ بیغ الاول ۱۷۰ھ بمطابق ۷۸۶ء

٣ جمادى الآخرة ١٩٣ هـ بمطابق ٨٠٩ ء	بغداد	امين محمد بن هارون الرشيد	٢٦
٢٦ محرم ١٩٨ هـ بمطابق ٨١٣ ء	بغداد	مامون عبدالله بن هارون الرشيد	٢٧
١٢ رجب ٢١٨ هـ بمطابق ٨٣٣ ء	بغداد	معتصم بالله، محمد بن هارون الرشيد	٢٨
١٨ ربيع الاول ٢٢٤ هـ بمطابق ٨٢٢ ء	بغداد	واثق بالله هارون بن معتصم	٢٩
٢٣ ذى الحجة ٢٣٢ هـ بمطابق ٨٢٤ ء	بغداد	متوكل على الله ابو الفضل جعفر بن معتصم	٣٠
٢ شوال ٢٢٤ هـ بمطابق ٨٦١ ء	بغداد	منتصر بالله محمد بن متوكل	٣١
٣ ربيع الثاني ٢٢٨ هـ بمطابق ٨٦٢ ء	بغداد	مستعين بالله احمد بن محمد بن متوكل	٣٢

٤ محرم ٢٥٢ هـ بمطابق ٨٦٦ء	بغداد	معتز بالله محمد بن متوكل	٣٣
٢٧ رجب ٢٥٥ هـ بمطابق ٨٦٩ء	بغداد	مهتدي بالله محمد بن واثق	٣٤
١٨ رجب ٢٥٦ هـ بمطابق ٨٧٠ء	بغداد	معتمد على الله محمد بن متوكل	٣٥

خلافت عباسیه بغداد (دور دوم)

ابو العباس احمد المتعضد بالله نواسه خلیفه دهم سلطنت عباسی و برادرزاده خلیفه پانزدهم المعتمد علی الله بود. والد معتضد ابو احمد الموفق وفات نموده بود، که بعد از او نامزد شدن جعفر برای ولی عهدی یقینی بود، اما معتمد برای ولی عهدی برادرزاده خود احمد را بالای پسر خود جعفر فوقیت داد و در ماه محرم دو صد و شصت و نو هجری (۲۶۹ هجری) او را ولی عهد مقرر کرد، که چند ماه بعد از آن در ماه رجب معتمد وفات کرد.

خلافت عباسیه بغداد (دور دوم)

شماره	نام خلیفه	دارالخلافة	آغاز خلافت هجری و عیسوی ماه و سال
۳۶	المتعضد بالله احمد بن موفق بن متوکل	بغداد	۲۰ رجب ۲۷۹ هـ بمطابق ۸۹۲ ع
۳۷	مکتفی بالله (علی بن معتضد)	بغداد	۲۲ ربیع الثانی ۲۸۹ هـ بمطابق ۹۰۲ ع

١٢ ذى القعدة ٢٩٥ هـ بمطابق ٩٠٨ء	بغداد	مقتدر بالله جعفر بن معتضد	٣٨
٢٤ شوال ٣٢٠ هـ بمطابق ٩٣٢ء	بغداد	قاهر بالله ، محمد بن معتضد	٣٩
٦ جمادى الاولى ٣٢٢ هـ بمطابق ٩٣٢ء	بغداد	راضى بالله احمد بن متقندر	٤٠
٢٠ ربيع الاول ٣٢٩ هـ بمطابق ٩٤٠ء	بغداد	متقى لله ابراهيم بن مقتدر	٤١
٢٠ صفر ٣٣٣ هـ بمطابق ٩٤٢ء	بغداد	مستكفى بالله عبدالله بن مكفى	٤٢
١٢ جمادى الآخرة ٣٣٢ هـ بمطابق ٩٤٥ء	بغداد	مطيع لله فضل بن مقتدر	٤٣
13 ذى القعدة 363 هـ بمطابق 974ء	بغداد	طابع لله ، عبدالكريم بن مطيع	٤٤
١٩ رجب ٣٨١ هـ بمطابق ٩٩١ء	بغداد	قادر بالله ، احمد بن متقندر	٤٥

١١ ذى الحجه ٢٢٢ هـ بمطابق ١٠٢١ء	بغداد	قايم بأمر الله عبدالله بن قادر	٤٦
١٣ شعبان ٢٦٤ هـ بمطابق ١٠٤٥ء	بغداد	مقتدى بأمر الله عبدالله بن قائم	٤٧
١٥ محرم ٢٨٤ هـ بمطابق ١٠٨٢ء	بغداد	مستظهر بالله احمد بن مقتدى	٤٨
١٦ ربيع الثانى ٥١٢ هـ بمطابق ١١١٨ء	بغداد	مستر شد بالله فضل بن مستظهر	٤٩
١٤ ذى القعدة ٥٢٩ هـ بمطابق ١١٣٥ء	بغداد	راشد بأمر الله منصور بن مستر شد	٥٠
١٨ ذى القعدة ٥٣٠ هـ بمطابق ١١٣٦ء	بغداد	مقتفى لأمر الله محمد بن مستظهر	٥١
٢ ربيع الاول ٥٥٥ هـ بمطابق ١١٦٠ء	بغداد	مستنجد بالله يوسف بن مقتفى	٥٢
٩ ربيع الثانى ٥٦٦ هـ بمطابق ١١٤٠ء	بغداد	مستضى بأمر الله ابو محمد حسن بن مستنجد	٥٣
٢ ذى القعدة ٥٤٥ هـ بمطابق ١١٨٠ء	بغداد	ناصر لدين الله احمد بن مستضى	٥٤

۳۰ رمضان ۶۲۲ هـ بمطابق ۱۲۲۵ء	بغداد	ظاهر بأمر الله محمد بن ناصر	۵۵
۱۴ رجب ۶۲۳ هـ بمطابق ۱۲۲۶ء	بغداد	مستنصر بالله منصور بن ظاهر	۵۶
۱۰ جمادى الآخرة ۶۴۰ هـ بمطابق ۱۲۴۲ء	بغداد	مستعصم بالله عبدالله بن مستنصر	۵۷
۱۴ صفر ۶۵۶ هـ بمطابق ۱۲۵۸ء	بغداد	خاتمة خلافت	۵۸

هلاکو خان با تحریص و غدارى وزیر عباسى ابن علقمى و نصیر

الدین طوسى بغداد را فتح کرده خلیفه مستعصم را شهید کرد و اینگونه

خلافت خاتمه یافت.

خلافت عباسیه بغداد (دور سوم، مصر)

مستعصم در بغداد آخرین خلیفه دور حکومت عباسی بود، سلطنت عباسی آخرین نفس های خود را میگرفت، اما تسلسل خلافت قائم بود. در ۹ محرم الحرام ۲۵۶ هجری بمطابق ۱۷ جنوری ۱۲۵۸ عیسوی تاتاری ها در قیادت نوین دجله را عبور کردن، اینجا آنها با فوج بغداد روبرو شدند، آنها با هم جنگ کردن اما نصرت الله متعال شامل حال بود و بالآخره تاتاریها مجبور به فرار شدند. بعد از دو روز تاتاریها دوباره شهر بغداد را محاصره کردند، بذریعه منجنیق ها سنگ باری کردند. بیشمار تیر اندازی کرده شد و ۲۲ محرم الحرام باقاعده حمله کردن و بعد از سه روز تاتاریها بالای فصیل مغربی قبضه کردند.

خلیفه از ابن علقمی مشوره طلب کرد، پس او در جواب گفت: شما با تاتاریها جنگ نکنید مصلحت در همین است که ما برای تاتاریها دروازه های خود را باز کنیم. هلاکوخان هم از خلیفه خود برای مسلح عوام تسلیم شدن فوج را مطالبه کرد، وقتی که افراد مسلح سر را تسلیم خم کرده و از شهر بیرون شدند پس تاتاریها یک یکی را گرفته قتل کردند. ۲ صفر در یک مسجد جامع آخرین خطبه خوانده شد، که آغاز آن را خطیب با این الفاظ کرد: تمام تعریفات برای پروردگار است آنکه بذریعه مرگ سازنده عمارت های پخته را منهدم کرد و آنکه فیصله فنا

کردن مردمان این شهر را کرده. بعد از مکمل قتل و غارت و چور و چپاول در تاریخ ۲ صفر المظفر هلاکوخان بالای اسپ سوار شده داخل قصر خلافت شد و آفتاب سلطنت عباسی غروب شد.

شہزادہ ہای کہ از اینجا نجات یافتہ بودند بطرف قاہرہ رخ کردند، تا سہ سال خلافت شکار تعطل شد، اما بالآخرہ در ۲۵۹ ہجری مردم بہ دست یک شہزادہ عباسی مستنصر باللہ بیعت کردند، و در قاہرہ خلافت عباسی را قائم کردہ تسلسل خلافت دوبارہ بحال کردہ شد. اقبالؑ بجا فرمودند:

جہاں میں اہل ایمان صورتِ خورشید جیتے ہیں
ادھر ڈوبے ادھر نکلے، ادھر ڈوبے ادھر نکلے

۹۲۳ ہجری مطابق ۱۵۱۷ ہجری ترک عثمانی سلطان سلیم اول مصر را فتح کرد و خلیفہ ثالث را با خود قسطنطنیہ بروڈ و متوکل در نزد علماء و قاضی ہا بدست سلیم بیعت کردہ خلافت را بدست سلطان سلیم اول تسلیم کرد.

خلافت عباسیه ، تیسرا دور (مصر)

۶۵۴ھ تا ۹۲۳ھ بمطابق ۱۲۶۰ تا ۱۱۵۱۷ء

بعد از خاتمه خلافت عباسی ها تقریباً سه و نیم سال بعد در قاهره

مصر بیعت خلافت همراهی المستنصر بالله کرده شد

شماره	نام خلیفه	دارالخلافت	آغاز خلافت هجری و عیسوی ماه و سال
۵۹	مستنصر بالله ابو قاسم احمد بن ظاهر	القاهره	۱۳ رجب ۶۵۹ھ بمطابق ۱۲۶۰ء
۶۰	حاکم بأمر الله (اول) احمد بن الحسن	القاهره	۸ محرم ۶۶۱ھ بمطابق ۱۲۶۳
۶۱	مستکفی بالله (اول) سلیمان بن حاکم	القاهره	جمادی الاولى ۷۰۱ھ بمطابق ۱۳۰۲ء
۶۲	واثق بالله (اول) ابراهیم	القاهره	۶ ذی القعدة ۷۴۰ھ بمطابق ۱۳۳۹ء
۶۳	حاکم بأمر الله (ثانی) احمد بن مستکفی	القاهره	۲۱ ذی الحجه ۷۴۰ھ

جمادى الآخرة ٤٥٣هـ بمطابق ١٣٥٢ء	القاهرة	معتضد بالله (اول) ابوبكر بن مستكفي	٦٤
جمادى الاولى ٤٦٣هـ بمطابق ١٣٦٢ء	القاهرة	متوكل على الله (اول) محمد بن معتضد	٦٥
ربيع الاول ٤٤٩هـ بمطابق ١٣٤٤ء	القاهرة	معتصم زكريا بن واثق اول	٦٦
ربيع الثانى ٤٤٩هـ بمطابق ١٣٤٤ء	القاهرة	متوكل اول (دوباره)	٦٧
رجب ٤٨٥هـ بمطابق ١٣٨٣ء	القاهرة	واثق ثانى (عمر بن واثق اول)	٦٨
١٩ شوال ٤٨٨هـ بمطابق ١٣٨٥	القاهرة	معتصم (دوباره)	٦٩
١٠ جمادى الاولى ٤٩١هـ بمطابق ١٣٨٨	القاهرة	متوكل (سه باره)	٧٠
رجب ٨٠٨هـ بمطابق ١٤٠٥ء	القاهرة	مستعين بالله (عباس بن متوكل)	٧١
١٦ ذى الحجه ٨١٦هـ بمطابق ١٤١٤ء	القاهرة	معتضد ثانى (داود بن متوكل)	٧٢
٤ ربيع الاول ٨٢٥هـ بمطابق ١٤٢١ء	القاهرة	مستكفي ثانى (سليمان بن متوكل)	٧٣

محرم ٨٥٥هـ بمطابق ١٣٥١ء	القاهره	قايم بأمر الله (حمزه بن متوكل)	٧٤
رجب ٨٥٩هـ بمطابق ١٣٥٥ء	القاهره	مستنجد بالله (يوسف بن متوكل)	٧٥
٢٦ محرم ٨٨٣هـ بمطابق ١٣٧٩	القاهره	متوكل ثاني (عبدالعزیز بن مستعين)	٧٦
صفر ٩٠٣هـ بمطابق ١٣٩٧	القاهره	مستمسك بالله (يعقوب بن متوكل ثاني)	٧٧
٩٢٢هـ بمطابق ١٥١٦	القاهره	متوكل بالله (الثالث) بن مستمسك	٧٨
٩٢٢هـ بمطابق ١٥٢٦	القاهره	مستمسك (دوباره)	٧٩
٩٢٣هـ بمطابق ١٥١٧	القاهره	متوكل ثالث (دوباره)	٨٠

سلطنت سلجوقی

تاریخ دولت آل سلجوق نهایت یک تاریخ دور اهم عظمت و بزرگی اسلام است. بعد از زوال سیاسی عباسی سلطنت که بیشتر حصه های ممالک اسلامی را در یک مرکز جمع کرد، آن همین سلطنت سلجوقی بود. او از سر حد چین گرفته تا سواحل بحرا بیض و از عدن گرفته تا خوارزم و بخارا، تمام قوم های مسلمان را یکی کرد، و این هفتاد دو خطه که در آن وقت نه تنها از اسلام بلکه علم بردار تمام اسلام شده بود، از حالت انتشار سیاسی و پراکندگی بیرون کرده دوباره قابل این کار کرد که او در تعمیر تمدن انسانی کار حصه خود را انجام دهد.

آغاز این عهد از ابتداء صدی پنجم هجری میشود و کم و بیش تا سه صد سال سلطنت سلجوقی قائم بود. در اینها طغرل، سلطان آلپ آرسلان، ملک شاه، برقیارق، محمد و سنجر فرمانروا بودند و وزیر اعظم مشهور اینها خواجه نظام الملک بود. اینها در زبان تاریخ عظام سلاجقه گفته میشوند. بعد از اینها سلطنت سلجوقی منتشر میشود و در مختلف ممالک اسلامی بعض غلام های سلجوقی و شهزاده های سلجوقی ریاست های خودمختار خود را قائم میکنند. در اینها خالص ریاست های سلجوقی از کرمان، عراق و شام است، که آنها بالترتیب سلاجقه کرمان،

سلاجقه عراق، سلاجقه شام و سلاجقه روم گفته میشوند. این تمام ریاست ها در عهد سلاجقه عظام از تاریخ های مختلف شروع میشوند و بعد از این در تاریخ های مختلف ختم میشوند، که کیفیت آن از نقشه ذیل معلوم میشود.

<p>۴۳۳ هجری تا ۵۸۳ هجری بمطابق ۱۰۴۱ء تا ۱۱۸۷ء</p>	<p>سلاجقه کرمان</p>
<p>۲۸۷ هجری تا ۵۱۱ هجری بمطابق ۱۰۹۴ء تا ۱۱۱۷ء</p>	<p>سلاجقه شام</p>
<p>۵۱۱ هجری تا ۵۹۰ هجری بمطابق ۱۱۱۷ء تا ۱۱۹۴ء</p>	<p>سلاجقه عراق و کردستان</p>
<p>۵۷۰ هجری تا ۷۰۰ هجری بمطابق ۱۱۷۱ء تا ۱۳۰۰ء</p>	<p>سلاجقه روم</p>

مرکزی ساجوقی سلاطین

تاریخ حکومت	خطاب	نام خلیفه
۱۰۶۳ تا ۱۰۱۶	بیگ	طغرل
۱۰۷۲ تا ۱۰۶۳	سلطان	الپ ارسلان
۱۰۹۲ تا ۱۰۷۲	سلطان جلال الدوله	ملک شاه (اول)
۱۰۹۳ تا ۱۰۹۲	سلطان ناصر الدین والدین	محمود بن ملک شاه
۱۱۰۵ تا ۱۰۹۳	سلطان ابو المظفر رکن الدین والدین	برقیارق بن ملک شاه
۱۱۰۵	سلطان معز الدین	ملک شاه دوم
۱۱۱۸ تا ۱۱۰۵	سلطان غیاث الدین والدین	ملک محمد تپار
۱۱۵۳ تا ۱۱۱۸	سلطان معز الدین	احمد سنجر

فرزند محمد تپار محمود بن محمد تپار برای احمد سنجر از تسلیم شدن سلطنت انکار کرده در بغداد حکومت خود را قائم کرد و خود را پادشاه تعیین کرد، که بالاخره احمد سنجر در ۱۱۳۱ سلطنت آنرا سرنگون نمود.

ساجوق سلاطين کرمان

(۱۰۴۱ء تا ۱۱۸۷ء)

شماره نمبر	نام	تاریخ حکومت
۱	قاورد	۱۰۴۱ء تا ۱۰۷۳ء
۲	کرمان شاه	۱۰۷۳ء تا ۱۰۷۴ء
۳	سلطان شاه	۱۰۷۴ء تا ۱۰۷۵ء
۴	حسین عمر	۱۰۷۵ء تا ۱۰۸۴ء
۵	توران شاه اول	۱۰۸۴ء تا ۱۰۹۶ء
۶	ایران شاه	۱۰۹۶ء تا ۱۱۰۱ء
۷	ارسلان شاه اول	۱۱۰۱ء تا ۱۱۴۲ء
۸	محمد اول	۱۱۴۲ء تا ۱۱۵۶ء
۹	طغرل شاه	۱۱۵۶ء تا ۱۱۶۹ء
۱۰	بهرام شاه	۱۱۶۹ء تا ۱۱۷۳ء
۱۱	ارسلان شاه ثانی	۱۱۷۳ء تا ۱۱۷۶ء
۱۲	توران شاه ثانی	۱۱۷۶ء تا ۱۱۸۳ء
۱۳	محمد ثانی	۱۱۸۳ء تا ۱۱۸۷ء

ساجوق سلاطين شام

1085ء تا 1123ء

نمبر شمار	نام	تاريخ حكومت
١	ابو سعيد تاج الدوله توتش اول	١٠٨٥ء تا ١٠٨٦ء
٢	جلال الدوله ملك شاه اول	١٠٨٦ء تا ١٠٨٧ء
٣	قاسم الدوله ابوسعيد	١٠٨٧ء تا ١٠٩٣ء
٤	ابو سعيد تاج الدوله توتش اول (دوم مرتبه)	١٠٩٣ء تا ١٠٩٥ء
٥	فخر الملك رودوان	١٠٩٥ء تا ١١١٣ء
٦	تاج الدوله الپ ارسلان الآخرس	١١١٣ء تا ١١١٤ء
٧	سلطان شاه	١١١٤ء تا ١١٢٣ء

سلاطين سلاجقه روم (اناطوليه)

1077ء تا 1307ء

تاريخ حكومت	نام	نمبر شمار
1060ء تا 1077ء	قلمش	۱
1077ء تا 1086ء	سليمان ابن قلمش	۲
1092ء تا 1107ء	داؤد قلعج ارسلان اول	۳
1107ء تا 1116ء	ملك شاه	۴
1116ء تا 1156ء	ركن الدين مسعود	۵
1156ء تا 1192ء	عز الدين قلعج ارسلان ثانى	۶
1192ء تا 1196ء	غياث الدين خسرو اول	۷
1196ء تا 1204ء	سليمان ثانى	۸
1204ء تا 1205ء	قلعج ارسلان سوم	۹
1205ء تا 1211ء	غياث الدين خسرو اول (دوم مرتبه)	۱۰
1211ء تا 1220ء	عز الدين كيقاس اول	۱۱
1220ء تا 1237ء	علاؤ الدين كيقباد اول	۱۲
1237ء تا 1246ء	غياث الدين خسرو دوم	۱۳
1246ء تا 1260ء	عز الدين كيقاس ثانى	۱۴

1249ء تا 1257ء	رکن الدین قلج ارسلان ثانی	۱۵
1257ء تا 1259ء	غیاث الدین خسرو ثانی (دوم مرتبه)	۱۶
1265ء تا 1282ء	غیاث الدین خسرو سوم	۱۷
1282ء تا 1284ء	غیاث الدین مسعود ثانی	۱۸
1284ء	علاؤ الدین کیقباد سوم	۱۹
1284ء تا 1293ء	غیاث الدین مسعود ثانی (دوم مرتبه)	۲۰
1293ء تا 1294ء	علاؤ الدین کیقباد سوم (دوم مرتبه)	۲۱
1294ء تا 1301ء	غیاث الدین مسعود ثانی (سوم مرتبه)	۲۲
1301ء تا 1303ء	علاؤ الدین کیقباد سوم (سوم مرتبه)	۲۳
1303ء تا 1307ء	غیاث الدین مسعود ثانی (چهارم مرتبه)	۲۴
1307ء	غیاث الدین مسعود سوم	۲۵

سلطنت عثمانیه

رکن الدین ابو طالب محمد بن میکائیل باقاعده اولین سلطان سلجوقی‌ها دانسته میشود. کسیکه قبائل منتشر را متحد کرد و بنیاد سلطنت سلجوقی را نهاد. در ۶۴۱ هجری در میان پسر علاؤالالدین کیقباد و آخرین سلطان سلطنت سلجوقی غیاث الدین خسروثانی و فوج نوین در محرم الحرام یک جنگ عظیم شد، که در آن سلجوقی‌ها شکست خوردند و تمام سلطنت در قبضه تاتاریها شد. تقریباً بعد از سه سال در ۶۴۴ هجری بمطابق ۱۲۴۶ عیسوی خسروثانی وفات کرد. در آن زمان پسر سلیمان شاه ارطغرل ارباب (سگود) که به آن سغوت هم گفته میشود بود، که او را پدر غیاث الدین خسرو و ثانی علاؤالالدین کیقباد برای بهادری، جوانمردی و در نتیجه امداد ناگهانی افواج سلجوقی عطا کرده بود. ارطغرل جاگیر خود را بخوبی حفاظت کرد بلکه با او علاقه‌های دیگر را نیز فتح کرد و در نیابت سلطنت سلجوقی بنیاد یک ریاست که مشتمل بر سه ضلع را کرد، که او را بعداً پسر ارطغرل عثمان مزید وسعت بخشید و حکومت خود را مزید مستحکم ساخته و بنیاد سلطنت عثمانیه را نهاد.

سلطنت عثمانیہ (9 سلاطین)

شماره	نام خلیفہ	آغاز خلافت هجری و عیسوی ماہ و سال
۱	سلطان عثمان خان بن ارطغرل بن سلیمان شاہ	۶۸۷ھ بمطابق ۱۲۸۸ء
۲	سلطان اور خان بن عثمان	۷۲۶ھ بمطابق ۱۳۲۶ء
۳	سلطان مرداول	۷۶۰ھ بمطابق ۱۳۵۹ء
۴	سلطان بایزید اول (یلدرم)	۷۹۱ھ بمطابق ۱۳۸۹ء
۵	سلطان محمد اول چلبی	۸۱۶ھ بمطابق ۱۴۱۳ء
۶	سلطان مراد ثانی	۸۲۴ھ بمطابق ۱۴۲۱ء
۷	سلطان محمد ثانی الفاتح (محمد فاتح)	۸۵۵ھ بمطابق ۱۴۵۱ء
۸	سلطان بایزید ثانی	۸۸۶ھ بمطابق ۱۴۸۱ء
۹	سلطان سلیم اول (و بعد اش اول عثمانی خلیفہ)	۹۱۸ھ بمطابق ۱۵۱۲ء

خلافت عثمانیه (29 خلفاء)

از ۹۲۳ تا ۱۳۴۲ هجری بمطابق ۱۵۱۷ عیسوی تا ۱۹۲۴ عیسوی

سلطان سلیم اول مصر را فتح کرده خلیفه عباسی متوکل ثالث بدست سلیم اول بیعت کرده خلافت را به او تسلیم کرد. همینگونه سلطنت عثمانیه، به خلافت عثمانیه تبدیل شد و سلطان سلیم اول اولین خلیفه عثمانی شد.

(۲۹ خلفا عثمانیه)

شمارنمبر	نام خلیفه	دارالخلافت	آغاز خلافت هجری و عیسوی ماه و سال
۱	خلیفه اول عثمانی سلیم خان اول بن یزید ثانی	استنبول	۹۲۳ ه تا ۱۵۱۷ء
۲	سلیمان بن سلیم اول (سلیمان القانونی)	استنبول	۱۵ اشوال ۹۲۶ ه بمطابق ۱۵۲۰ء
۳	سلیم ثانی بن سلیمان القانونی	استنبول	۸ ربیع الاول ۹۷۴ ه بمطابق ۱۵۶۶ء
۴	مراد ثالث بن سلیم ثانی	استنبول	۶ رمضان ۹۸۲ ه بمطابق ۱۵۷۴ء

٥	محمد ثالث بن مراد ثالث	استنبول	٩ جمادى الآخرة ١٠٠٣هـ بمطابق ١٥٩٥هـ
٦	احمد اول بن محمد ثالث	استنبول	٧ ارجب ١٠٢٦هـ بمطابق ١١هـ
٧	مصطفى اول بن محمد ثالث	استنبول	٢٢ ذى القعدة ١٠٢٦هـ بمطابق ١٦١٤هـ
٨	عثمان ثانى بن احمد اول	استنبول	يكم ربيع الاول ١٠٢٤هـ بمطابق ١٦١٨هـ
٩	مراد رابع غازى بن احمد اول	استنبول	١٣ اذى القعدة ١٠٣٢هـ بمطابق ١٦٢٣هـ
١٠	ابراهيم اول بن احمد اول	استنبول	يكم ذى القعدة ١٠٣٩هـ بمطابق ١٦٣٠هـ
١١	محمد رابع، اوچى بن ابراهيم	استنبول	يكم شعبان ١٠٥٨هـ بمطابق ١٦٢٨هـ
١٢	سليمان الثانى بن ابراهيم	استنبول	٢ محرم ١٠٩٩هـ بمطابق ١٦٨٤هـ
١٣	احمد ثانى بن ابراهيم	استنبول	٢٦ رمضان ١١٠٢هـ بمطابق ١٦٩١هـ
١٤	مصطفى ثانى بن محمد رابع	استنبول	٩ جمادى الآخرة ١١٠٦هـ بمطابق ١٦٩٣هـ

٢٣ شعبان ١١١٥هـ بمطابق ١٤٠٣ء	استنبول	احمد ثالث بن محمد رابع	١٥
الربيع الاول ١١٢٣هـ بمطابق ١٤٣٠ء	استنبول	محمود اول بن مصطفى ثاني	١٦
٢٣ صفر ١١٢٨هـ بمطابق ١٤٥٢ء	استنبول	عثمان ثالث بن مصطفى ثاني	١٧
٢٨ ربيع الاول ١١٤١هـ بمطابق ١٤٨٤ء	استنبول	مصطفى ثالث بن احمد ثاني	١٨
٨ ربيع الاول ١١١٤هـ بمطابق ١٤٤٣ء	استنبول	عبد الحميد اول بن احمد	١٩
الرجب ١٢٠٣هـ بمطابق ١٤٤٩ء	استنبول	سليم ثالث بن مصطفى	٢٠
١٢٢٢هـ بمطابق ١٨٠٤ء	استنبول	مصطفى رابع بن عبد الحميد اول	٢١
١٢٢٣هـ بمطابق ١٨٠٨ء	استنبول	محمود ثاني بن عبد الحميد اول	٢٢
٢٥ ربيع الثاني ١٢٥٥هـ بمطابق ١٨٣٩ء	استنبول	عبد الحميد اول بن محمود معمار حرم	٢٣
٥ اذى الحجه ١٢٤٤هـ بمطابق ١٨٦١ء	استنبول	عبد العزير بن محمود معمار حرم	٢٤

۵ جمادی الآخرة ۱۲۹۳ هـ بمطابق ۱۸۷۶ء	استنبول	مراد خامس بن عبدالمجید اول	۲۵
۱۰ اشعبان ۱۲۹۳ هـ بمطابق ۱۸۷۶ء	استنبول	عبدالحمید ثانی بن عبدالمجید اول	۲۶
۶ ربیع الثانی ۱۳۲۷ هـ بمطابق ۱۹۰۹ء	استنبول	محمد خامس، رشاد بن عبدالمجید	۲۷
۲۳ رمضان ۱۳۳۶ هـ بمطابق ۱۹۱۸ء	استنبول	محمد سادس و حیدالدین بن عبدالمجید	۲۸
ربیع الاول ۱۳۴۱ هـ بمطابق ۱۹۲۲ء	استنبول	عبدالمجید ثانی بن عبدالعزیز	۲۹
۱۳۴۲ هـ بمطابق ۱۹۲۴ء	استنبول	معزولی عبدالمجید	۳۰

در ۲۹ اکتوبر ۱۹۲۴ حکومت ترکی را جمهوریہ قرار داده شد و در

۳ مارچ ۱۹۲۵ خلافت ترکی را مصطفی کمال به طور قانونی ختم کرد.

خلافت هسپانیه (اندلس)

۲۹ هجری بمطابق ۷۱۱ عیسوی طارق بن زیاد بعض مقامات اندلس را فتح کرد. بعدا آهسته آهسته جنرال های مسلمان آمدن حتی که تا آخر ۱۳۸ هجری تمام اندلس فتح شد و امراء بنوامیه انتظام این را بدوش گرفتند.

مسلمانان بالای جزیره نما آئیریا که در کناره جنوب مغربی براعظم اروپا است هشت صد سال حکومت کرد، که حال مشتمل بر سپین، پرتگال، و فرانس جدید است، در تاریخ اسلام این کشور بنام اندلس موسوم کرده میشود. بنام مسلم هسپانیه و اسلامی آئیریا هم یاد کرده میشود. این در دور خلیفه ولید بن عبد الملک یک ولایت خلافت بنوامیه بود.

موسی بن نصیر که از طرف خلیفه والی شمالی افریقا مقرر شده بود، آن برای جنرال طارق بن زیاد در ۹۲ هجری مطابق ۷۱۱ عیسوی هفت هزار لشکر داده برای لشکر کشی بالای هسپانیه روان کرد، و آنها با یک لک فوج حکمران هسپانیه (رادرک) روبرو شدند، بعد از مسلسل سه روز جنگ وقتی آثار فتح دیده نشد پس روز چهارم طارق بن زیاد لشکر را جمع کرده به آنها خطبه داد و فرمود: ای مردم در پشت شما بحر و پیش روی شما دشمن است به همین وجه هیچ راه فرار وجود ندارد، بخدا قسم بدون ثابت قدمی و صبر گزینہ دوم وجود ندارد. چنانچه مسلمان با بهادری

جنگ کردند، که نتیجتاً در ۱۹ جولای ۷۱۱ عیسوی مسلمانان فوج هسپانیه را شکست دادند. در ماه اکتوبر مزید پیش قدمی کرده "مغیث رومی" شهر قرطبا را فتح کرد، بعد از آن اشبیلیه، طیطله و شهرهای دیگر نیز فتح شد، حتی که در هسپانیه مسلمان بیرق خود را بلند کردند.

در ۱۳۲ هجری خاتمه خلافت بنو امیه شد و بنو عباس بر سراقدار آمدند. و آنها افراد خاندان شاهی را یک یکی کرده شروع به قتل کردند، البته بعض افراد در زنده فرار کردن کامیاب شدند، که در آن نواسه جوان بیست ساله هشام ابن عبد الملک "عبدالرحمن اول" هم شامل بود. تاریخ این شخص را بنام عبد الرحمن الداخل هم می شناسد، که اولین حکمران مسلمان مسلم هسپانیه شد، کسیکه از ۷۵۶ عیسوی تا ۷۸۸ عیسوی تقریباً ۳۳ سال حکومت کرد. در ۹۲۹ عیسوی عبدالرحمن الناصر از خلافت هسپانیه علیحده شده بنام قرطبه بنیاد یک حکومت مستقل را نهاد و اولین خلیفه آن شد.

شماره	نام خلیفه	دارالخلافة	آغاز خلافت هجری و عیسوی ماه و سال
۱	عبدالرحمان الداخل	قرطبه	۱۳۸هـ بمطابق ۷۵۶ء
۲	هشام اول بن عبدالرحمن الداخل	قرطبه	۱۷۲هـ بمطابق ۷۸۸ء

۳	الحکم الاول بن هشام اول	قرطبه	۱۸۰ھ بمطابق ۷۹۶ء
۴	عبدالرحمن ثانی بن الحکم الاول	قرطبه	۲۰۶ھ بمطابق ۸۲۲ء
۵	محمد اول بن عبدالرحمن ثانی	قرطبه	۲۳۸ھ بمطابق ۸۵۲ء
۶	منذر بن محمد اول	قرطبه	۲۷۳ھ بمطابق ۸۸۶ء
۷	عبدالله بن محمد اول	قرطبه	۲۷۵ھ بمطابق ۸۸۸ء
۸	عبدالرحمان ثالث	قرطبه	۳۰۰ھ بمطابق ۹۱۲ء
۹	الحکم ثانی بن عبدالرحمان ثالث	قرطبه	۳۵۰ھ بمطابق ۹۶۱ء
۱۰	هشام ثانی	قرطبه	۳۲۲ھ تا ۴۰۳ھ بمطابق ۹۷۶ء تا ۱۰۱۳ء

بعداً دور طوائف الملوک آمد. آخر ۸۹۰ هجری بمطابق ۱۳۸۵

عیسوی افواج متحد فردیند و ملکه ازابیلہ غرناطه را فتح کرده حکومت

مسلمانان را خاتمه داد که تا ۸۰۰ سال دوام داشت.

بعض حکومت‌های مرکزگرایز

(۱) (فاطمیه، العبیدیه، اسماعیلیه)

دولتِ فاطمیه یا سلطنت فاطمیه یا خلافت فاطمیه بعد از خاتمه خلافت عباسیه در ۲۹۷ هجری در شهر قیروان شمالی افریقا قائم شد. بانی این سلطنت عبیدالله مهدی چونکه از اولاد های دختر رسول الله ﷺ حضرت فاطمه ﷺ بود. (بعض محققین در این اختلاف داشتن) به همین وجه سلطنت او سلطنت فاطمیه گفته میشود. عبیدالله در تاریخ به لقب مهدی مشهور است. چونکه بانی این حکومت عبیدالله مهدی است. به همین نسبت دولت عبیدیه هم گفته میشود و بنابر منسوب شدن به ابوطاهر اسماعیل نواسه بزرگ امام جعفر صادق اسماعیلیه هم گفته میشود. در میان این حکومت فاطمین (الاسماعیلیه) در قاهره مصر (از ۲۹۷ هجری تا ۵۶۷ هجری بمطابق ۹۱۰ عیسوی تا ۱۱۷۱ عیسوی) بود. که در آن غلبه افکار و تعلیمات تشیع بود. که آن را سلطان صلاح الدین ایوبی ۷ محرم ۵۶۷ هجری بمطابق ۱۱۷۱ تمام کار های مصر را بدست خود گرفته این سلسله را خاتمه داد و غلبه عقائد و افکار اهل سنت شد و این سلطنت عباسی در خلافت بغداد مدغم شد.

(۲) خلفاء موحدین (ادریسی)

در مغرب اقصی یعنی در مراکش و غیره از ۱۷۱ هجری تا ۳۹۹ هجری بمطابق ۷۸۸ عیسوی تا ۱۰۰۸ این حکومت بود.

محمد ابن تومرت بسیار یک عالم دین بزرگ بود. او شاگرد امام غزالی از علمای مشهور سلجوقی بود و به تحریک آنها او در مغرب (یعنی مراکش) تحریک اصلاحی خود را آغاز کرد. هدف این تحریک اصلاحات اجتماعی و اخلاقی بود. او هر جای عمل خلاف شرع را میدید تلافی میکرد. ایشان برای اجتناب شراب نوشی و بی پردگی و دیگر مفسدات که در میان مسلمانان گسترش یافته بود سخت جدوجهد کرد.

با مشاهده محبت و محبوبیت قلبی آنها دولت برگزارکنندگان مورد ترس قرار گرفته آنها را از مراکش بی وطن کرد. آنها شهر دیگر اغمات آمدند اما از اینجا هم رانده شدند. حال آنها بطرف وطن خود هرغه رفتند که در کوه اندلس واقع بود. در آنجا هزاران نفر دعوت او را پذیرفت. آنها آموزش نظامی هم حاصل کردند و تعلیم مذهبی هم. حال فوج مرابطین اینجا هم آمده قریه را محاصره کردند اما حال دوستان ابن تومرت، که موحدین گفته میشوند آمده مقابله بودند به همین خاطر یک جنگ شدید آغاز گردید و فوج دولتی را شکست دادند.

(۳) خاندان صفوی در ایران

بانی اسماعیل صفوی (همعصر ظهیرالدین بابر) در ۸۹۲ تا ۹۲۸ هجری

بمطابق ۴۸۷ عیسوی تا ۱۵۲۳ عیسوی حکومت کرد.

این سلسله را نادر شاه در (مطابق ۱۱۶۰ هجری بمطابق ۱۷۴۷ عیسوی)

خاتمه داد.

این خاندان یا سلطنت را سلطنت صفویه می نامند زیرا فرزندان شاه اسماعیل بنیان گزار سلطنت، سلطنت به بزرگ بنام شیخ اسحاق صفی الدین منسوب هستند. در ایران بعد از فتوحات اسلامی این بزرگترین حکومت بود، که از ۱۵۰۱ عیسوی تا ۱۷۲۲ عیسوی قایم بود، که بعد از تیموری ها در ایران عروج حاصل کردند.

(۴) باطنیه (قلعه الموت)

نام مکمل حسن بن صباح (حسن بن علی بن محمد بن جعفر بن حسین بن الصباح الحمیری بود) او ایرانی بود و در کوفه به دنیا آمده بود. او در آن زمان مطابق رواج خود را به خاندان عرب الحمیری منسوب میکرد. اما او درست نداشت که مردم نسب او را بیان کنند. به شاگردانش میگفت من ترجیح میدهم مرا غلام مخلص امام خطاب کنند به نسبت این که من پسر نا خلف او گفته شوم. از سن هفت سالگی حسن شوق حاصل کردن علم داشت. تا هژده سالگی او علوم مختلف مانند ریاضی، نجوم، و

سحر و غیره حاصل کرد. حسن بن صباح بالای قلعه الموت که نزدیک بحیره قزوین واقع بود قبضه کرد، و از اینجا کار های جدید دعوت و تنظیم خود را آغاز کرد.

حسن بن صباح و هشت جانشین های او حکومت کرد. دارالحکومت آن ها قلعه الموت بود، که در آنجا از ۴۸۳ هجری تا ۶۵۴ هجری بمطابق ۱۰۹۰ عیسوی تا ۱۲۵۶ عیسوی مختلف جانشین ها حکومت کرد. شخصاً حسن بن صباح ۲۹ سال حکومت کرد و در این قلعه جنت ساخت. اینها ترورست ترین افراد فرقه شیعه بودند. این فرقه دارای بسیار نام ها است. حسنی، فدائیه، صباحیه، حشیشین، باطنیه و غیره. در سال ۶۵۴ هجری مغولان آنها را شکست داده نابود کردند.

(۵) علوی خاندان (طبرستان)

در طبرستان حکومت خاندان علوی بود.

۲۵۴ هجری تا ۲۹۲ هجری بمطابق ۸۶۸ عیسوی تا ۹۰۵ عیسوی

در بنو هاشم دو گروه بود، که یکی از آنها اولاد حضرت علی را حق دار خلافت میدانستند، و گروه دیگر اولاد حضرت عباس رضی الله عنه را مستحق خلافت قرار داده بودند. در زمان حکومت عباسیان چون دیگر قبایل و گروه های عرب از علویان در قیام علیه بنی عباس حمایت نکردند، به همین وجه علویان بغداد را برای خود جای غیر محفوظ تصور کرده ایران هجرت کردند و در ۲۵۴ هجری در قیادت حسن بن زیاد اعلان حکومت خود مختار و مستقل خود را کردند.

(سلطنت هند)

آمدن عرب در هندوستان

محمد بن قاسم در سال ۶۹۴ عیسوی در طائف بدنیا آمد. والد او یکی از افراد ممتاز خاندان شمار کرده میشد. هنگامی که حجاج بن یوسف به فرمانداری عراق منصوب شد پس او افراد ممتاز خاندان ثقفی را بالای عهده های مختلف مقرر نمود، در آن پدر محمد قاسم نیز بود که والی بصره تعیین شد، همین طور تربیت ابتدائی محمد ابن قاسم در بصره شد. تقریباً در سن پنج سالگی پدر او وفات نمود.

در عمان معاویه ابن حارث علافی و برادر او محمد ابن حارث علافی خلاف خلیفه بنو امیه ولید ابن عبدالملک اعلان بغاوت نمود، خلیفه نیرو فرستاد سپه سالار آن نیرو امیر سعید کشته شد علافی ها با افراد شان در مکران پناه حاصل نمود که در آنجا حکومت راجا داهر بود، مزید بالای آن راجا داهر زنان که با قافله های تجارتی می آمدند آن ها را نیز گرفتار نموده بود چنان چه یکی از آن زن ها به حجاج بن یوسف خط نوشت، حجاج عزیز خود محمد بن قاسم را سپه سالار این عملیات تعیین نموده فرستاد، محمد بن قاسم سلسله فتوحات را آغاز نمود و در عرصه سه سال منطقه های مهم سندھ را همراه با ملتان فتح نموده فتح سندھ را به پایه تکمیل رساند.

آمدن عرب‌ها در هندوستان

۹۲ هـ بمطابق ۷۱۱ء	حمله محمد بن قاسم در سندھ	۱
۹۳ هـ تا ۹۵ هـ بمطابق ۷۱۲ء تا ۷۱۴ء	حکومت محمد بن قاسم	۲
۱۸۴ هـ بمطابق ۷۷۱ء	موسی بن کعب سندھ آمد	۳
۲۱۳ هـ بمطابق ۸۲۸ء	ماما موسی برکلی را والی سندھ قرار داد	۴
۲۴۰ هـ بمطابق ۸۵۴ء	ابتداء حکومت هباری در سندھ	۵
۳۰۳ هـ بمطابق ۹۱۶ء	مسعودی سندھ آمد	۶
۳۳۲ هـ بمطابق ۹۴۴ء	ابن مهلهل سندھ آمد	۷
۳۴۰ هـ بمطابق ۹۵۱ء	اصطغرل سندھ آمد	۸
۳۴۳ هـ بمطابق ۹۵۴ء	ابن حوقل بغدادی سندھ آمد	۹

هفده حمله محمود غزنوی

در سال ۹۹۷ عیسوی بعد از وفات سبکتگین پسر او محمود غزنوی حاکم نیشا پور مقرر شد اسماعیل برادر محمود غزنوی هنگام وفات پدرش اعلان تاج پوشی نمود، محمود غزنوی در ابتدا با برادرش اسماعیل بذریعه خط کتابت کوشش نمود که مشکل را حل نماید هنگام که این کوشش ها نتیجه نداد پس در سال ۹۹۸ عیسوی بالای غزنی حمله نمود، حکومت اسماعیل را به پایان رسانده خودش سلطنت را به دست گرفته، سلطان محمود غزنوی بالای هندوستان چندین حملات انجام داد، در سال ۱۰۰۱ در نزدیکی پشاور لشکر های سلطان محمود غزنوی و راجه جیپال با هم تصادم نمودن و آخرین جنگ در سال ۱۰۲۷ شد.

حملات مشهور محمود غزنوی

۱	حمله اول بالای ملتان	۳۹۶ هـ بمطابق ۱۰۰۵ء
۲	آخری حمله بالای سومناٹ	۴۱۶ هـ بمطابق ۱۰۲۵ء
۳	قبضه شهاب الدین بالای سندھ	۵۷۱ هـ بمطابق ۱۱۷۶ء
۴	قبضه ملتان	۵۷۱ هـ بمطابق ۱۱۷۶ء
۵	قبضه لاهور	۵۸۲ هـ بمطابق ۱۱۸۶ء

درهندوستان مسلمان حکمران خاندان غلامان

قطب الدین ایبک بانی خاندان غلامان و سپه سالار لشکر شهاب الدین غوری بود در هندوستان انتظام و انصرام سلطنت غوری به دوش همین بود، بعد از شهادت شهاب الدین غوری حکومت خودش را اعلان نمود و این حکومت در خاندان او تقریباً تا ۹۰ سال جاری بود، او در ابتدا لاهور را دارالحکومت خود قرار داد بعداً به دهلی منتقل شد، قطب الدین ایبک در سال ۱۲۱۰ عیسوی انتقال نمود بعد از آن یک غلام ترکی آلتتمش تخت نشین شد آلتتمش داماد قطب الدین بود بعد از آلتتمش تمام سلاطین ها تقریباً از اولاد همین بود، به همین خاطر این خاندان حکمران را به نام خاندان غلامان یاد کرده میشود. آنها را سلاطین مملوک نیز گفته میشود، بعد از آن فرزند خاندان خلجی جلال الدین فیروز خلجی حکومت آنها را به پایان رساند.

درهندوستان حکمران های مسلمان خاندان غلامان

۱	قطب الدین ایبک	۶۰۲ هـ بمطابق ۱۲۰۶ء
۲	شمس الدین التمش	۶۰۷ هـ بمطابق ۱۲۱۰ء
۳	رکن الدین فیروز شاه دهلی	۶۳۳ هـ بمطابق ۱۲۳۶ء

۶۳۴ هـ بمطابق ۱۲۳۶ء	رضیه سلطانه	۴
۶۳۹ هـ بمطابق ۱۲۴۲ء	علاؤالدین مسعود	۵
۶۴۴ هـ بمطابق ۱۲۴۶ء	ناصرالدین محمود	۶
۶۴۴ هـ بمطابق ۱۲۶۶ء	غیاث الدین بلبن	۷
۶۶۴ هـ بمطابق ۱۲۸۷ء	معزالدین کیقباد	۸

خاندان خلجی

سلاطین مملوک بعد از دهلی از سال ۱۲۹۰ عیسوی تا سال ۱۳۲۰ عیسوی بادشاه هان خلجی بالای هندوستان حکمران بودند، بنیاد خاندان خلجی را جلال الدین خلجی نهاد، و بعد از آن برادرزاده او علاؤالدین تخت نشین شد، که بعداً بالای تمام هندوستان قبضه نمود، بعد از علاؤالدین خلجی جانشین او نا اهل ثابت شد و بالاخر حکومت خلجی ها با دستان تغلقی ها خاتمه یافت.

خاندان خلجی

۶۸۹ هـ بمطابق ۱۲۹۰ء	جلال الدین خلجی	۱
۶۹۵ هـ بمطابق ۱۲۹۶ء	علاؤالدین خلجی	۲
۷۱۵ هـ بمطابق ۱۳۱۶ء	شهاب الدین عمر خلجی	۳
۷۱۶ هـ بمطابق ۱۳۱۶ء	ملک کافور (قتل)	۴
۷۱۹ هـ بمطابق ۱۳۱۹ء	ناصر الدین خسرو	۵

خاندان تغلق

در هندوستان بعد از خاندان خلجی سلطان غیاث الدین تغلق در دهلی حکومت خاندان تغلق را قایم نمود، این خاندان تا سال ۱۴۱۳ عیسوی حکمران بودند، بعد از آن خاندان سید بر سر اقتدار آمدند، دو پادشاه خاندان تغلق نام دار بودند یکی از آن سلطان محمد عادل بن تغلق شاه نمایان هست، در دوران حکومت آن سیاه مشهور ابن بطوطه هندوستان آمد و دوم سلطان فیروز شاه تغلق پادشاه ممتاز آن خاندان گذشته، که خیلی دین دار و منصف مزاج بود، که بعد از آن زوال خاندان تغلق آغاز شد و در سال ۱۳۹۸ عیسوی امیر تیمور بیگ گورکانی طاقت باقی مانده آن را به پایان رساند تیمور هنگام رفتن سید خضر خان بن ملک سلیمان را نائب خود مقرر نمود، آخرین پادشاه سلطان ناصر الدین محمود شاه تغلق خیلی زود دوباره بالای دهلی قبضه نمود لیکن در سال ۱۴۱۳ عیسوی بعد از وفات آن خاندان تغلق بالکل خاتمه یافت.

خاندان تغلق

۱	غیاث الدین تغلق	۷۲۰ هـ بمطابق ۱۳۲۰ء
۲	محمد الدین تغلق	۷۲۵ هـ بمطابق ۱۳۲۵ء
۳	فیروز شاه تغلق	۷۵۲ هـ بمطابق ۱۳۵۱ء
۴	غیاث الدین تغلق ثانی	۷۹۰ هـ بمطابق ۱۳۸۸ء

۵	ابوبکر تغلق	۷۹۱ هـ بمطابق ۱۳۸۹ء
۶	ناصر الدین تغلق	۷۹۲ هـ بمطابق ۱۳۹۰ء
۷	محمود تغلق	۷۸۲ هـ بمطابق ۱۳۹۰ء
۸	محمود تغلق دوم	۷۹۵ هـ بمطابق ۱۲۹۲ء
۹	محمود تغلق سوم	۸۰۱ هـ بمطابق ۱۳۹۹ء

خاندان سادات

بعد از خاتمه حکومت خاندان تغلق خاندان سید بر سر اقتدار آمدن که آنها از سال ۱۴۱۴ عیسوی گرفته تا سال ۱۴۵۱ عیسوی بالای سلطنت دهلی حکومت نمود، بعد از حملات مسلسل امیر تیمور سلطنت دهلی کاملاً ضعیف شد در همین حالت خاندان سید بعد از طاقت حاصل نموداً تقریباً ۳۷ سال حکومت نمود.

خاندان سادات

۱	خضر خان	۸۱۷ هـ بمطابق ۱۴۱۴ء
۲	مبارک شاه ثانی	۸۲۴ هـ بمطابق ۱۴۲۱ء
۳	محمد شاه	۸۳۷ هـ بمطابق ۱۴۳۴ء
۴	علاؤالدین عالم شاه	۸۴۹ هـ بمطابق ۱۴۴۵ء

خاندان لودهی

آخرین حکمران خاندان سید سید علاؤالدین ابن محمد شاه بطور رضا کارانه به بهلول خان لودهی در ۱۹ اپریل سال ۱۴۵۱ تخت سلطنت حکومت دهلی را رها نمود و همین طور بهلول خان لودهی بنیاد خاندان لودهی را نهاد کرد.

خاندان لودهی

۱	بهلول لودهی	۸۵۵ هـ بمطابق ۱۴۵۱ء
۲	سکندر لودهی	۸۹۳ هـ بمطابق ۱۴۸۹ء
۳	ابراهیم لودهی	۹۲۳ هـ بمطابق ۱۵۱۷ء

خاندان مغل

ظہیر الدین بابر را اولین حکمران و بانی سلطنت مغلیه گفته میشود که یکی از سردار های خاندان تیمور بود، قبل از هندوستان او حاکم کابل بود، در سال ۱۵۲۶ عیسوی ظہیر الدین بابر لشکر ابراهیم لودهی را شکست داد. و سلطنت مغل آغاز شود، حکمرانان مغل از ۱۵۲۶ عیسوی تا ۱۸۵۷ عیسوی بالای تمام برصغیر حکومت نموده.

خاندان مغل

۱	ظہیر الدین بابر	۹۳۲ هـ بمطابق ۱۵۲۶ء
۲	نصیر الدین ہمایون	۹۳۷ هـ بمطابق ۱۵۳۰ء

۹۳۷ھ بمطابق ۱۵۳۰ء	شیر شاہ سوری	۳
۹۵۲ھ بمطابق ۱۵۳۵ء	سلیم شاہ سوری	۴
۹۶۰ھ بمطابق ۱۵۵۳ء	عادل شاہ سوری	۵
۹۶۲ھ بمطابق ۱۵۵۵ء	واپسی ہمایون	۶
۹۶۳ھ بمطابق ۱۵۵۶ء	جلال الدین اکبر	۷
۱۰۱۳ھ بمطابق ۱۶۰۵ء	نورالدین جہانگیر	۸
۱۰۳۷ھ بمطابق ۱۶۲۸ء	شاہ جہان	۹
۱۰۶۸ھ بمطابق ۱۶۵۸ء	اورنگزیب عالمگیر	۱۰
۱۱۱۸ھ بمطابق ۱۷۰۷ء	بہادر شاہ اول	۱۱
۱۱۲۳ھ بمطابق ۱۷۱۲ء	جہاندار شاہ	۱۲
۱۱۲۳ھ بمطابق ۱۷۱۲ء	فرخ سیر	۱۳
۱۱۳۱ھ بمطابق ۱۷۱۹ء	رفیع الدرجات	۱۴
۱۱۳۱ھ بمطابق ۱۷۱۹ء	شاہجان ثانی	۱۵
۱۱۳۱ھ بمطابق ۱۷۱۹ء	روشن اختر محمد شاہ	۱۶
۱۱۶۱ھ بمطابق ۱۷۴۸ء	احمد شاہ	۱۷
۱۱۶۷ھ بمطابق ۱۷۵۳ء	عالمگیر ثانی	۱۸
۱۱۷۲ھ بمطابق ۱۷۵۳ء	شاہ عالم ثانی	۱۹
۱۲۲۱ھ بمطابق ۱۸۰۶ء	اکبر ثانی	۲۰
۱۲۵۳ھ تا ۱۲۷۴ھ بمطابق ۱۸۳۷ء تا ۱۸۵۷ء	بہادر شاہ ثانی (ظفر)	۲۱

از سقوط بغداد تا سقوط دهلی

(بغداد، اندلس، دهلی، خلافت عثمانی)

و حالا امت مسلمه در آستانه سقوط پنجم!

عالم اسلام چهار مرتبه سقوط نموده که آنها تمام امت را بی پناه و یتیم نمود که به سبب آن حالا در دنیا مسلمان ضعیف و شکار زوال هست. اگر جایزه آن چهار سقوط گرفته شود سه سبب بزرگ مشترک آن هست.

(۱) دفاع ضعیف:

هنگامی که نزد مسلمانان آنقدر قوت و طاقت نماند که به زریعه آن با کفار مقابله نمایند آنها از دفاع (واعدوا لهم ما استطعتم) بالکل غافل بود. هنگامی که هلاکو خان بغداد را معاصره نموده بود عین در همین وقت یک وفد هلاکو خان برای خریدن سلاح موصل رفته بود چونکه موصل در آن زمان در دو چیز خیلی شهرت داشت، یکی آنجا سلاح های خوب ساخته میشد، دوم آنجا آلات موسیقی ساخته میشد در همین وقت شهزاده حکومت بغداد در برای خریدن آلات موسیقی موصل رفته بود، عذاب خداوند به شکل هلاکو خان بر سر او بود، برای او مناسب بود که اسلح میخرید و برای مقابله خود را قوی میساخت.

عین همین حال دهلی نیز بود از دفاع غافل بود، اندلس و خلافت عثمانیه نیز به همین شکل بودند.

(۲) اختلافات داخلی:

در داخل خود اختلافات مذهبی، فرقه واریت، قتل قتال، جنگ ها، در مختلف علاقه ها گروه ها پیدا شده بود، که بالای عراق ها قبضه مینمودن با حکومت و خلافت میجنگید. بغاوت می نمود، در هندوستان از جانب راجه ها و نواب ها مخالفت بود، به سبب همین اختلاف ها تمام قوت از بین رفت و بنیاد درست حکومت قایم نبود.

(۳) فقر اقتصادی:

سبب سوم از لحاظ اقتصادی و معاشی این حکومت ها ضعیف بودند، نزد آنها آنقدر وسایل نبود که خود را نگه میداشت و دفاع می نمود، طوریکه بالای تمام وسایل هندوستان کمپنی ایست اندیا قبضه نموده بود تمام معیشت به دست آنها رفته بود مثال اقتصاد و معیشت مانند خود هست، اگر در جسم خون نباشد چگونه حرکت کند.

لمحه فکریه:

هنگام که ما تاریخ ماضی و حالات حاضره مسلمانان را مورد بررسی قرار میدهیم اکنون عالم اسلام در آستانه سقوط پنجم قرار دارد.

تمام کشور های اسلامی، کشور های عربی، در افغانستان و غیره جنگ شروع هست معیشت در حال تباه شدن هست. حکومت ها دارند برباد میشوند و قتل قتال جاری هست پاکستان نیز در نشانه هست. برای برباد نمودن معیشت آن ، بی امنیتی ، فساد های فرقه واریت ، تعصبات لسانی جنگ جاری هست و در سدد ضعیف نمودن ان کوشش ها جاری هست لیکن باز هم درخشش امید هست ان شاءالله.

مآخذ و مصادر:

❖ مختصر تاریخ خلافت اسلامی.....مولانا عبدالقدوس هاشمی

❖ اتلس فتوحات اسلامی.....مرتب-دارالسلام

❖ الشمس والقمر بحسبان..... مولانا عبدالرحمن گیلانی

❖ تاریخ امت مسلمه.....مولانا اسماعیل ریحان